

ادامه مطلب

در حاشیه خبرها ...

از صفحه ۳۲

سخنی دیگر با برادران افغان

پرویز کامبخش جوان بیست و سه ساله ای که در کار خبر و روزنامه نگاری است به وسیله عده ای خشک مغز خشکه مقدس در آستانه اعدام قرار گرفته است. اتهام او کفر و توهین به مقدسات است. یعنی همان چماقی که قرن ها از سوی مذاهب گوناگون وسیله ای بوده است برای کوبیدن گروهی که مخالف دکانداران مذهبی، یعنی آخوندهای هر نوع مذهب بوده اند. این جوان نوشته ای را از اینترنت گرفته و بین دوستان و سایر خبرنگاران توزیع کرده است که این نوشته توهین به مقدسات اسلام تلقی شده است.

همین گونه تهمت هاست که سبب شده است تاکنون بسیاری از پرسش های منطقی و مستدل بر روی لب ها باقی بماند و کسی جرأت نکند سوال کند چرا یک مرد مسلمان می تواند در آن واحد چهار زن عقدی داشته باشد اما یک زن از این حق محروم است. تصور نکنید من اعتقاد به آن دارم که زنان نیز باید دارای چهار شوهر باشند؟ خبر معتقدم هر مرد متمدنی فقط باید به یک همسر بسنده کند. یا کسی جرأت آن را ندارد تا بپرسد چرا ارزش حقوقی یک زن نیم ارزش حقوقی یک مرد است. چرا خداوند در طول این همه قرون و دهه ها فقط یک بار هوس کرد که به زمین آمده و با یکی از مخلوق های مؤنث خود نزدیکی کند و فرزندی به وجود آورد و بعد دست از این کار بردارد. چرا خداوند فرستادن وحی را چهارده قرن است که ترک کرده است.

آیا تصور می کند قوانینی که چهارده قرن پیش وضع کرده جوابگوی نیازهای امروزی بشر قرن اتم و کامپیوتر است و برای چندین هزار سال دیگر هم اعتبار خواهد داشت. یا بپرسد که چرا بین خدایان ابراهیمی از نوع موسوی و عیسوی و محمدی آن تا این اندازه اختلاف است. آیا خداوند در عرض چند هزار سال فاصله بین ظهور موسی تا محمد، این اندازه تغییر عقیده داده است؟ اصولاً هر کس خواسته به حریم دکانداران مذهبی نزدیک شده انتقادی کند، مورد خشم آنان قرار گرفته است. میدانیم که پاره ای از آخوندها دست به مثنوی مولانا نمی زنند و معروف است که عده ای از آنان مثنوی را با انبر جابجا می کرده اند که دستشان آلوده نشود. چرا؟ چون مولانا با آنکه اعتقادات عمیق مذهبی داشته و خود نیز آخوندزاده بوده اما با بسیاری از خرافات و عادات مذهبی موافقت نداشته و در لابلای اشعار خود این عقاید خود را مطرح ساخته و این دکانداران را نندمالی کرده است. از جمله آنجا که می فرماید:

**خلق را تقلید نشان بر باد داد**

**ای دو صد لعنت بر این تقلید باد**

تصور نکنید که مولانا مثلاً از چینی ها و ژاپنی ها انتقاد می کرده که از تکنولوژی غرب تقلید می کرده اند و محصولاتی مشابه آنان می ساخته اند او مخالف آن بوده است که آخوندی

بهترین نوع آنان را انتخاب کنند.

آیا رأی دهندگان بازیچه ای در دست گردانندگان این رژیم نیستند که تنها از تعداد آنان به عنوان سیاهی لشکر استفاده می کنند تا چنین وانمود کنند که این رژیم مورد تأیید اکثریت مردم است؟ سیاست ما باید تحریم کامل این رژیم باشد به ویژه در مساله انتخابات. وقتی ناظران بین المللی دیدند که رئیس جمهور چنین رژیمی تنها با چند ده هزار رأی انتخاب شده است، آن وقت پایگاه واقعی این رژیم در بین مردم ایران روشن خواهد شد.

اصولاً کسانی که طرفدار این قانون اساسی و ولایت فقیه هستند نمی بایستی از سوی مردم میهن پرست ایرانی مورد توجه قرار گیرند و دل به اصلاحات آنان خوش کنند و به آنان رأی دهند. مردمی که کارگزارش به خاطر خواسته های مشروع شلاق می خوردند، زناشاه به خاطر دفاع از حقوق اولیه مورد ضرب و شتم قرار گرفته و از آنان هتک حرمت می شود، دانشجویانش به آن وضع فجیع کتک خورده یا از ادامه تحصیل محروم می شوند و یا زندان ها را با آنان پر می کنند، چرا اصلاً باید امیدی به استحاله چنین رژیمی داشت؟ رژیمی که خانم دکتر را در پارک دستگیر می کند و چند روز بعد جنازه او را به خانواده اش تحویل می دهد، رژیمی که بالاترین میزان اعدام را در دنیا به خود اختصاص داده، رژیمی که دانشجو را دستگیر می کند و چند روز بعد جنازه او را بدون اطلاع خانواده اش دفن کرده و بعد به خانواده او خبر می دهد که فرزندشان در زندان خود کشتی کرده است، آیا امید آن هست که روزی دچار استحاله شده و تبدیل به حکومتی با موازین امروزی شود؟ شما که به ایران و فرهنگ ایران و حقوق بشر و حقوق انسان ها معتقد هستید شما که زنان را برابر مردان می دانید شما که انسان ها را صرفاً به سبب انسان بودن و فارغ از اعتقادات مذهبی و سیاسی آنان برابر می دانید، خود را از صندوق انتخابات کنار بکشید بگذارید کسانی که به ولایت فقیه و رژیم جمهوری اسلامی اعتقاد دارند به پای صندوق های رأی بروند و همبستگی های خود را انتخاب کنند. چرا کسانی که به این اصول اعتقادی ندارند می بایستی مظلّم ظلم شده و وسیله ای باشند برای روی کار آمدن افرادی چون خاتمی و احمدی نژاد؟ این عده می بایستی بوسیله آخوندها وعده ای چپاولگر انتخاب شوند. اگر کسانی واقعاً طرفدار این رژیم نیستند نباید به پای صندوق رأی از هر نوع آن رفته و رأی دهند. مقاومت منفی همین است و تحریم انتخابات وسیله ای بسیار مؤثر برای تحریم این رژیم. بر عهده سازمان های حقوق بشری داخل و خارج ایران و دیگر سازمانهای مخالف داخلی و خارج از ایران است که تبلیغات گسترده ای برای آگاه ساختن مردم از این قدرت بالقوه آنان کرده و هموطنان ما را برای تحریم انتخابات از هر نوع آن آماده سازند.

جهان را دارند. اوراسیا در گزارش خود راجع به ایران آورده است که در سال آینده:

- هرچند بحران نسبت به سالجاری کاهش خواهد یافت، اما همچنان به صورت مرکز خطر باقی خواهد ماند.
- سال آینده سالی است که همچنان ریسک عمده برای سرمایه گذاری در ایران باقی خواهد ماند.
- احتمال حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی با آنکه کاهش یافته است، اما احتمال حمله در سال آینده همچنان وجود دارد.

تحریمی دیگر

شرکت نفتی ویتول که مرکز آن در سوئیس است، به گروه شرکت هایی پیوست که از صدور بنزین به جمهوری اسلامی در سال آینده خودداری خواهند کرد. البته این تصمیم شرکت ویتول علی الظاهر ارتباطی با تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی نداشته و به آن سبب است که این کشور در سال ۲۰۰۷ هفتاد میلیون دلار در ایران از دست داده است. تاکنون شصت درصد بنزین وارداتی جمهوری اسلامی را این شرکت تامین و وارد می کرده است.

زعفران ایران در آمریکا

سالهاست می شنویم و می خوانیم که جمهوری اسلامی ایران در فهرست کشورهای بیگانه است و ورود کالای آنان به آمریکا مشمول تحریم است. اما چند هفته پیش مدیر عامل "شرکت زعفران کارخانه نوین" یعنی آقای علی شریعتی مقدم که نام او یادآور "علی شریعتی" معروف است در مصاحبه ای که صدای او از رادیو تلویزیون آمریکا پخش شد اظهار کرد که زعفران ایران به بیش از چهل و پنج کشور جهان از جمله آمریکا صادر می شود و اضافه کرد که کارخانه نوین به سی کشور از جمله ایالت متحده آمریکا زعفران ایران را به صورت "مستقیم" صادر می کند. من به سهم خود بسیار خوشحالم که زعفران ایران یعنی ممتازترین زعفران دنیا به آمریکا صادر می شود. اما این به عهده مقامات آمریکایی است که تعیین کنند چگونه هنوز پاره ای از محصولات ایران اسلامی از جمله زعفران به صورت "مستقیم" وارد آمریکا می شود. آیا در این تحریم ها پاره ای از محصولات ایران شامل استثنا هستند؟

دیر اما به جا

خوشبختانه بانک جهانی هم اعلام کرد که چند نیازهای مالی پروژه های جمهوری اسلامی را تامین نخواهد کرد. این تصمیم بانک جهانی بر مبنای تحریم های سازمان ملل گرفته شده است. با این که این تصمیم قدری دیر گرفته شد، اما بجاست و می تواند قدری دست و پای جمهوری اسلامی را در پوست گردو قرار دهد. خوشبختانه مدتی پیش در همین ستون، از رویه بانک جهانی مبنی بر اعطای وام به جمهوری اسلامی انتقاد شده بود و اکنون خوشحالم که بانک جهانی نیز به گروهی که جمهوری اسلامی را تحریم کرده اند پیوسته است. البته فراموش نفرمایید که این پیشنهاد و انتقاد من در این تصمیم گیری بانک جهانی هیچ نقشی نداشته است!!

**تصحیح:** در یکی از مطالب ماه گذشته اشاره به سفر پرزیدنت بوش و سرکوزی به قطر شده بود، در حالیکه این سفر به امارات متحده عربی بوده است.

خود را مرجع تقلید قلمداد کرده و ده ها هزار پیرو خود را تابع هوی و هوس خود کرده و بتوانند آنان را به هر راهی که می خواهد بکشاند. خوب اگر این فکر قوت پیدا می کرد و طرفدارانش در اکثریت قرار می گرفتند آیا دکان آباد و مامور علمای درجه اول تخته نمی شد و بازارشان به کساد می کشید؟ بر گردیم به دوست جوان افغان. شش قرن پیش حافظ در غزلی فرمود:

**گر مسلمانی از این است که حافظ دارد**

**وای اگر از پس امروز بود فردایی**

همین آخوندهای خشکه مقدس که امروزه به برکت جمهوری اسلامی نه تنها در ایران بلکه به برکت در آمد باآورده نفت ایران، در پاکستان و افغانستان و فلسطین و بحرین و لبنان و... تعدادشان لاتعداد و لاتحصی شده است، حافظ عزیز ما را متهم به کفر کردند و او را مشمول تعزیر دانستند که تو با این شعر خود، منکر "معاد" و "روز قیامت" شده ای. حافظ با همه جسارت و شجاعت اخلاقی اش، دچار بیم از انتقام این خشکه مقدس ها شده دست بدامان آخوند دیگری شد که نسبت به دیگران روشن تر بود و در ضمن علاقه ای هم به حافظ و اشعارش داشت. او که زین الدین تالیبادی بود به حافظ توصیه کرد تا در مقابل این آخوندها که هر روز با اختراع یک نوع کلاه شرعی حرام را حلال و حلال را حرام می کنند، تو هم باید از همان وسیله استفاده کنی و گرنه کلاهت پس معرکه است. بیتی بساز و به ابتدای غزلت اضافه کن که نشان دهد اینحرف از تو نیست و تو داری مطلب دیگری را نقل می کنی و به اعتبار "نقل کفر، کفر نیست" جان خودت را نجات بده. حافظ هم این بیت را اضافه کرد و هم کلاهی سرآخوند ها گذاشت و هم جان خود را نجات داد:

**این حدیثم چه خوش آمد که سحرگه می گفت**

**بر در میکده ای با دلف و نی ترسایی**

**گر مسلمانی از این است که حافظ دارد**

**وای اگر از پس امروز بود فردائی**

حال توصیه من به این جوان افغان آنست که همان حقه شرعی آخوندها را به خود آنان بزند و بگوید من که خود این مطلب را نگفته و نوشته ام. آن را از اینترنت گرفته و به دیگران نقل کرده ام و این مطلب به قول شما کفر هم باشد فقط من نقل کفر کرده ام.

جمهوری اسلامی ناامن

موسسه "اوراسیا گروپ" که یک سازمان خصوصی است، اعلام کرده است که بحران انرژی اتمی جمهوری اسلامی تا پایان دوره ریاست جمهوری بوش، همچنان باقی مانده و این بحران به جانشین بوش منتقل خواهد شد.

این موسسه پیش بینی کرده است که جمهوری اسلامی به تصویب نامه های سازمان ملل و پیشنهادات بین المللی، گردن نخواهد نهاد و تحریم علیه جمهوری اسلامی در سال آینده نیز ادامه یافته و همچنان افزایش خواهد داشت و برای رفع بحران، فعالیت های دیپلماتیک پراکنده ای نیز پی گیری خواهد شد.

موسسه اوراسیا که سازمانی خصوصی است و به هیچ کشوری بستگی ندارد، گزارش هایش درباره سنجش ریسک و خطر سرمایه گذاری در کشورهای گوناگون است و این گزارش های خود را برای موسسات و بازرگانی تهیه می کند که قصد سرمایه گذاری یا تجدید نظر در سرمایه گذاری در کشورهای گوناگون

سپاسگزاری

سپاسگزاریم که ما را در مراسم خاکسپاری و یادبودی که به سبب درگذشت عزیزمان محمود (حاجی) جعفری بر پا شد، همراهی کردید. با حضور شما عزیزان، سوگ ما سبک تر و تحمل پذیری مان بیشتر شد. دلنان خوش که دلمان را خوش کردید. بسیار سپاسمندیم.

**خانواده های جعفری، حاجی جعفری، دبیر سیاقی، پاجت، شهین، ودآ، مرادی، ریسی، مرآتی، جوادی، لکستانی، ثمراد، خصوعی، ثقفی، حسین زاده خویی، داودزاده، حکیم، علومی، اشرف، مشحون**

تسلیت

دوست گرامی جناب آقای حسین جعفری

در گذشت برادر گرامیتان ما را نیز در غم و اندوه نشانند. این ضایعه را به شما، اعضای خانواده و کلیه بازماندگان تسلیت می گوئیم و برای همگان صبر و شکیبایی آرزو می کنیم.

بیژن اسدی پور-حسین تابناک-تلویزیون آپادانا-ناصر پل-نصرت الله پورفتحی-قاسم بابایی-حیدرعلی برومند-هادی خرسندی-مریم و مجید خستوان-فرهنگ دانشور-آقدس و محمود ذالفنون-جمال ربانی-هایده رزقی-مهجوین و مسعود سپند-سیف الله شرقی-حسن شرفه-ناصر صبوری-اکبر صدیف-ایرج طبیب نیا-حمید کرم دشتی-محمد میرزاده-رحیم مرید-پرویز مهدوی-اصغر مهاجرانی-منیر و علی نصیری-مینا همایون-عفت و سیروس یوسفی

تسلیت

ناتالی و فرحناز عزیز

از شنیدن خبر فوت پدرتان «آقای محمود جعفری» بسیار ناراحت شدم. با خاطرات او شاد باشید. برای شما و خانواده سلامتی آرزو میکنم.

افلیا پرویزاد

سپاسمندی

برادرم «محمود» اهل سفر بود و بسیار سفرها کرد و هر بار که با توشه ای پر بار، از سفر هایش بر می گشت، بیشترین سهم من خاطرات شیرینی بود که از این سفرها برایم به ارمغان می آورد. اما در این سفر پایانی، انتظار بازگشتی نیست و انتظار خاطراتی هم. با یاد او و با خاطراتش تا پایان راه خوش خواهیم بود.

از تمامی دوستان عزیز که آمدند و در سفر به خیری که به او گفتم تنهایم

نگذاشتند سپاسمندم.

حسین جعفری

تسلیت

همکار و دوست عزیز جناب آقای حسین جعفری و خانواده

با اندوخی بیکران، درگذشت آقای «محمود جعفری» برادر گرامیتان را به شما و دیگر اعضای خانواده سوگوار تسلیت عرض نموده و در این

اندوه بزرگ برایتان صبر و شکیبایی مسألت می نمایم.

**شهباز طاهری-افلیا و اردشیر پرویزاد-تمامی همکاران و کارکنان شرکت پژواک**

تسلیت

دوست عزیز و مهربانم، جناب آقای حسین جعفری

در گذشت آقای محمود جعفری برادر ارجمندتان را به شما و خانواده

محترم جعفری تسلیت می گوئیم و در غم شما شریک هستیم.

**مهری، ابراهیم و رشیده رشیدپور**